

کارپست دیپلماسی علمی جهت صلح سازی در منطقه خاورمیانه

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1400.28.3.5.8

سیداصغر کیوان حسینی* زهرا بهرامی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۳

چکیده

در خاورمیانه، از دیرباز کنشگران درگیر بحرانهای امنیتی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیستمحیطی بوده‌اند؛ وضعیتی که از حاکمیت ریشهدار نوعی نگرش واقع‌گرایانه (رئالیستی) بر معادلات منطقه‌ای حکایت دارد. در این شرایط، بیاعتمادی، توازن تهدید و مسابقات تسلیحاتی به مهمترین ویژگیهای روابط متقابل میان بازیگران درونمنطقه‌ای و نیز الگوی تعامل آنان با دیگر کنشگران برونمنطقه‌ای تبدیل شده است. راهکارهای گوناگونی با هدف ارتقای سطح صلح‌گرایی در روابط میان بازیگران محوری منطقه اتخاذ شده که در مواردی به کاهش تنش انجامیده است. کارکرد مزبور در بستر تعامل میان علم و سیاست شکل می‌گیرد و به دلیل حضور نافذ دانشگاهیان و متخصصان، برای سیاستمداران و توده‌های مردم از جذابیت و مقبولیت بالایی برخوردار است. در همین راستا، در سایه پیشبرد دیپلماسی مزبور، در آستانه‌های علم برای دیپلماسی، دیپلماسی برای علم و علم در دیپلماسی، جلوه‌های همکاری‌گرایانه و صلح‌سازی چون نقش‌آفرینی بازیگران کارکردگرای غیردولتی، برقراری تعامل برای تبادل داده‌ها، آگاهی از نیات و درنهایت مقابله با بحرانهای امنیتی مشترک بروز کرده و تقویت خواهد شد. در این راستا، پرسش محوری آن است که دیپلماسی علمی چگونه به کاهش تنش و تقویت فرآیند صلح‌سازی در خاورمیانه کمک خواهد کرد؟ در پاسخ، با بهرهمندی از روش کیفی و جمع‌آوری داده‌ها این فرض آزمون می‌شود که دیپلماسی علمی به دلیل حساسیت‌زدایی از روابط سیاسی-امنیتی در قالب دیپلماتیک، فرصت‌سازی برای نقش‌آفرینی نخبگان علمی و دانشگاهی و مخاطب‌سازی گروه‌های مرجع اجتماعی بر محور نیازهای تخصصی، به تقویت فضای صلح‌گرایی و کاهش تنش کمک خواهد کرد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی علمی، قدرت نرم، بازیگران کارکردگرای غیردولتی، صلح‌سازی.

* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

در منطقه خاورمیانه بازیگران با تنش‌های داخلی و بین‌المللی بسیاری روبه‌رو هستند که ممکن است امنیت وجودی آن‌ها را تهدید نماید. در این فضا برقراری تعامل هرچند به‌صورت موقت و در راستای اهداف کوتاه‌مدت به ندرت میان بازیگران شکل می‌گیرد، این در حالی است که آنها هر روزه با بحران‌های متعددی در حوزه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مواجه می‌شوند که این امر لزوم توجه به ایجاد تعامل را بیش‌ازپیش مورد تأکید قرار داده است. در این راستا با توجه به ظرفیت علم، فناوری و تکنولوژی به‌عنوان عرصه‌ای رها از تفاوت‌های ایدئولوژیک و سیاسی و همچنین مهم‌ترین پایه قدرت سخت و نرم، می‌تواند در قالب دیپلماسی علمی در آستانه‌های مختلف، زمینه‌ای برای ایجاد تعامل، تبادل داده‌ها، ایده‌ها، نگرش‌ها و درنهایت با تأکید بر مؤلفه‌های مشخص فرآیندی صلح‌ساز هرچند به‌صورت نسبی میان بازیگران منطقه‌ای باشد. علم یک پلت فرم بی‌طرف است که به کنشگران، به‌ویژه دولت‌ها، اجازه می‌دهد پل‌های ارتباطی به‌صورت کمکی برای تقویت و یا ایجاد روابط دیپلماتیک را شکل دهند. دیپلماسی علمی به دولت‌ها در جهت ایجاد زمینه مشترک و فضای بین‌المللی مسالمت‌آمیز و همچنین دستیابی به پیشرفت در زمینه‌های مختلف علمی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی با ابعاد جهانی یاری می‌رساند. لذا برای تقویت، ایجاد و بهبود روابط از اهمیت بسزایی در دستورالعمل‌های ملی و بین‌المللی برخوردار است.

بررسی ظرفیت دیپلماسی علمی در ایجاد صلح در منطقه پرتنش خاورمیانه از آن جهت اهمیت دارد که امروزه با توجه به افزایش تعاملات بین‌المللی، وابستگی متقابل کنشگران در حوزه‌های مختلف زندگی جمعی، روند رو به افزایش اهمیت علم، فناوری و تکنولوژی، ظهور بحران‌های مختلف با سطح گستردگی بالا و غیره، دیپلماسی علمی به‌عنوان بین‌المللی‌ترین عنصر تعامل‌ساز از موقعیت بسزایی برخوردار است و واحدهای سیاسی می‌توانند از ظرفیت‌های علم و فناوری برای دستیابی به اهداف سیاست‌ خارجی استفاده نمایند، زیرا علم و دیپلماسی علمی امکان نفوذ و نمایش قدرت در صحنه جهانی، ارائه تصویر مطلوب از بازیگر و توانمندی‌های علمی آن، ایجاد مشروعیت و حیثیت بین‌المللی، ارتقاء جایگاه و پرستیژ کشورها در نظام بین‌الملل، تقویت همکاری و تعامل در ابعاد و سطوح مختلف، دستیابی به انواع منافع و اهداف و ایجاد

اطمینان و اعتماد را فراهم می‌کند. در این پژوهش این سؤال مورد مذاقه قرار خواهد گرفت که دیپلماسی علمی در قالب چه مؤلفه‌هایی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد صلح در این منطقه باشد. در پاسخ با بهره‌مندی از روش کیفی و جمع‌آوری داده‌ها از منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای، این فرض آزمون می‌گردد که کاربری دیپلماسی علمی با ایجاد فضایی برای سرریز همکاری، هم‌کنشی فراهویتی و حل چالش‌های فراملی می‌تواند زمینه‌ساز صلح در خاورمیانه باشد. در این پژوهش تلاش می‌شود در چارچوب مفهوم دیپلماسی علمی در بستر قدرت نرم، به تشریح وضعیت ناامنی در منطقه به صورت مختصر پرداخته و در نهایت مؤلفه‌هایی اساسی صلح‌سازی را در کاربری دیپلماسی علمی در منطقه تجزیه و تحلیل نماید. در این راستا ابتدا تئوری قدرت نرم و مفهوم دیپلماسی علمی در قالب آن تشریح می‌شود، سپس تنش‌های موجود در منطقه غرب آسیا تبیین و به مؤلفه‌های اساسی دیپلماسی علمی در برقراری صلح به صورت کلی و در این منطقه پرداخته و در انتهای مقاله به راهبردهای ضروری ملی و منطقه‌ای در جهت اعمال دیپلماسی علمی موفق که بتواند زمینه‌ساز صلح نسبی در منطقه شود، اشاره می‌شود.

چارچوب مفهومی، دیپلماسی علمی در قالب «قدرت نرم»

نظام بین‌الملل باتوجه به ظهور و تعامل بازیگران مختلف از جمله بازیگران فروملی، ملی، فراملی و بین‌المللی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، در وضعیت وابستگی متقابل و وابستگی متقابل پیچیده قرار دارد که در آن چگونگی رفتار یک بازیگر می‌تواند بر امنیت سایرین به‌ویژه واحدهای سیاسی با تعامل نزدیک جغرافیایی اثرگذار باشد. به میزانی که وابستگی یک کنشگر بر دیگری زیاد باشد به همان میزان حساسیت^۱ و آسیب‌پذیری^۲ بازیگر دوم به بازیگر اول افزایش خواهد یافت به آن معنا که اثرپذیری بیشتری از بازیگر نخست دارد و در قبال تغییرات باید هزینه بیشتری پرداخت نماید. در این فضا کنشگران به دنبال ایجاد سازوکارهایی برای افزایش و مدیریت تعامل هستند که ممکن است در قالب‌های هنجاری و نهادی شکل بگیرد و یا آنکه دیپلماسی نوینی را برای رسیدن به اهداف و منافع ملی متناسب با سازوکارهای نوین شکل بدهند.

1 - Sensitivity

2 - Vulnerability

باتوجه به این شکل از تعاملات درهم تنیده میان طیف متفاوتی از بازیگران، فراملی‌گرایی وجه غالب هم‌کنشی خواهد بود که همکاری و تعامل در مراحل پیشرفته می‌تواند تعاملات را در زمینه‌های دیگر ایجاد نماید و لذا سنگ بنای نوینی از قدرت را به‌عنوان اساس روابط بین‌الملل مطرح نماید که در قالب قدرت نرم‌افزاری قابل تبیین است. قدرت نرم بیش از هر کسی با نام نای^۱ شناخته می‌شود، به نظر وی قدرت نرم، «وجه دوم قدرت» است که کشورها را به‌صورت غیرمستقیم و با استفاده از ابزاری غیر از تهدید به استفاده از نیروی نظامی و یا تحریم‌های اقتصادی، به نتایج مورد نظرشان می‌رساند. منابع قدرت نرم یک کشور می‌تواند شامل مواردی چون فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی باشد (Nye, 2009: 94-96).

در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات، پیوند کنشگران در عرصه‌های مختلف جهانی و ظهور مسائل و چالش‌های بین‌المللی یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم، توانایی علمی است که هر کنشگری می‌تواند با اعمال آن در عرصه خارجی، ضمن تقویت موقعیت خود، منافع و اهداف سیاست خارجی خود را نیز دنبال نماید. به‌زعم روفینی^۲، استاد دانشگاه لوهاور^۳ در فرانسه، علم در رتبه‌بندی قدرت نرم قرار دارد و بیش از راه‌های دیگر برای اعمال نفوذ فرهنگی در رقابت برای تسخیر قلب و ذهن مورد استفاده قرار می‌گیرد (Ruffini, 2017). علم با ایجاد جاذبه برای کنشگر توانمند در این حوزه، از بعد نظری و عملی یکی از مهم‌ترین پایه‌های قدرت نرم آن کشور محسوب می‌شود و باتوجه به این که به کشور قدرتمند در این حوزه این امکان را می‌دهد که اهداف و منافع خود را در سیستم بین‌المللی پیگیری کند، رفتارهای خود را اعمال و توجیه نماید، رفتار دیگران را با شکل دادن به اذهان و تعریف هویت در قالب خودی و دیگری شکل دهد و درنهایت تعاملات را در سطح سیستمی مدیریت و تنظیم کند، لذا می‌تواند امکان جابه‌جایی قدرت را نیز در سیستم جهانی ایجاد نماید. در این راستا اعمال توانایی علمی متناسب با اهداف سیاست خارجی در قالب «دیپلماسی علمی» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در این مقاله تلاش می‌شود ظرفیت این شکل از اعمال سیاست خارجی در عرصه هم‌کنشی بازیگران

1 - Joseph Samuel Nye

2 - Pierre-Bruno Ruffini

3 - Le Havre

در غرب آسیا برای ایجاد زمینه و تقویت صلح مورد مذاقه قرار گیرد.

دیپلماسی علمی و محورهای اجرایی

تعاریف مختلفی از دیپلماسی علمی وجود دارد، از جمله آنکه «پروژه‌ای است که توسط دولت‌ها اعمال می‌شود و به معنای کاربرد و بهره‌برداری از دانش، متدها و روش‌های علمی در عرصه خارجی برای دستیابی به اهداف و منافع ملی است» (Davis, Patman, 2015: 4). در معنای دیگر دیپلماسی علمی عبارت است از «استفاده از علم و فعالیت‌های علمی برای ایجاد و تقویت روابط بین کشورها» (Sutton, 2013: 3). باوجود تعابیر مختلف، در تعریفی کلی، دیپلماسی علمی که در این مقاله بر آن تأکید می‌شود، عبارت است از: «مجموعه‌ای از هم‌کنشی‌ها بین کنشگران علمی و سیاسی در راستای دستیابی کشور به اهداف و منافع در عرصه خارجی».

لازم به ذکر است، دیپلماسی علمی می‌تواند در قالب دیپلماسی سنتی^۱، دیپلماسی عمومی^۲ و دیپلماسی مسیر دو^۳ اعمال شود. ابتدا، دیپلماسی علمی ممکن است در قالب سنتی و در تعامل دولت‌ها شکل بگیرد؛ یعنی دولت‌ها با مکانیزم‌هایی رسمی در پی مدیریت روابط و پیگیری منافع و اهداف باشند. دوم، دیپلماسی علمی ممکن است در قالب دیپلماسی عمومی شکل بگیرد؛ یعنی یک سوی تعاملات دولت و سوی دیگر آن مردم کشور هدف قرار بگیرند. سوم، دیپلماسی علمی ممکن است در قالب دیپلماسی مسیر دو اعمال شود که در دوسویه تعاملات بازیگران غیردولتی نقش اساسی ایفا می‌کنند. مورد سوم بیشتر میان کشورهای رخ می‌دهد که از نظر هویتی و یا سیاسی در وضعیت تنش قرار دارند، همچون بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه، زیرا تعاملاتی خارج از قالب رسمی در جمع‌آوری اطلاعات، شکل‌دهی به تصاویر و داده‌ها، تقریب اندیشه‌ها و باورها و در نتیجه نزدیکی کنشگران، دولت‌ها را در دستیابی به اهداف خود یاری می‌رساند.

همچنین، دیپلماسی علمی شامل سه ساحت است: نخست، دیپلماسی برای علم^۴؛ در این ساحت، از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فعالیت دیپلماتیک برای تقویت سیستم‌های علمی بهره می‌برند.

1 - Traditional Diplomacy

2 - Public Diplomacy

3 - Track Two Diplomacy

4 - Diplomacy for Science

دوم، علم برای دیپلماسی^۱: در این ساحت، از علم و مزایای تعاملات علمی در سطوح مختلف برای افزایش و تقویت تعاملات و روابط دیپلماتیک استفاده می‌شود. سوم، علم در دیپلماسی^۲: در این ساحت، به شکل‌گیری سیاست خارجی و اهداف آن با توجه به توصیه‌های و مشاوره‌های علمی اشاره دارد. درواقع، علم و عناصر آن در راستای طراحی و اجرای دیپلماسی به کار گرفته می‌شود و جامعه علمی، سیاستگذاران را از آخرین اطلاعات در مورد مجموعه نیروهای سیستم‌های مختلف آگاه می‌سازد. هدف از این همکاری، بهبود تعاملات دیپلماتیک یا سایر فعالیت‌هایی است که در آن‌ها وجود یک توافق نظر و درک واضح و روشن ضروری است (Royal Society, 2010: 5-20).

اعمال دیپلماسی علمی در قالب‌های سنتی، عمومی و مسیر دو و همچنین آستانه‌های سه‌گانه فوق در سیستمی که تعاملات کنشگران درهم تنیده است، بازیگران مختلفی در سیستم جهانی ایفای نقش می‌کنند، مسائل و بحران‌های مختلفی در جریان است، وابستگی متقابل میان بازیگران شکل گرفته و تغییر و تحول در وضعیت یک کنشگر بر وضعیت دیگری نیز تغییر ایجاد خواهد کرد و همچنین قدرت نرم اساس تعاملات روابط بین‌الملل تعریف شده است، نقش اساسی ایفا می‌کند. دیپلماسی علمی دولت‌ها، توانایی قابل توجهی را برای ایجاد تعامل، رشد نفوذ بین‌المللی و بهبود روابط دیپلماتیک ارائه می‌دهد. دیپلماسی علمی با بهره‌گیری از مزایا و فرصت‌های عرصه علمی و همچنین عرصه دیپلماسی، ضمن پیوند بین دو حوزه تعاملاتی غیرحساس و حساس، کانال‌های ارتباطی نوینی را موجب می‌شود که امکان تعیین حوزه اشتراک را بین کنشگران افزایش می‌دهد و لذا بررسی و حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی به‌ویژه چالش‌های مشترک به‌صورت همکاری دسته‌جمعی و یا به‌صورت دوجانبه را خارج از قالب رسمی سیاسی میسر می‌نماید؛ زیرا علم و تکنولوژی عوامل مشترکی در تعاملات مدرن، تعیین موقعیت کشور در تنظیم قدرت و کمیت و کیفیت بده-بستان‌های سیاسی هستند، که فارغ از پیچیدگی‌های ایدئولوژیک، جوامع را در کنار و در تعامل با یکدیگر قرار می‌دهد.

امروزه نخبگان در سراسر جهان به این امر واقف هستند که در عرصه جهانی و وابستگی متقابل پیچیده بین کنشگران، مشکلات و نگرانی‌های جهانی که بر جوامع و حاکمیت‌ها اثر

1 - Science for Diplomacy

2 - Science in Diplomacy

دارد از جمله پایداری زیست‌محیطی، تروریسم، بیماری‌های فراگیر، جرائم سازمان‌یافته و... باید به صورت راه‌حل‌های جهانی و با ابعاد ضروری دیپلماتیک حل‌وفصل گردد. لذا دیپلماسی علمی با بهره‌مندی از ظرفیت تعاملاتی و نوآورانه علم و همچنین قدرت ایجاد ضمانت برای همکاری‌های آینده‌نگر سیاسی، می‌تواند با چالش‌ها مقابله نماید، اهداف سیاست خارجی واحدها را نیز به صورت صلح‌آمیز مورد حمایت قرار دهد و قدرت نرم کشور متبوع را با اثرگذاری بر اذهان نخبگان کنشگر هدف، پیش ببرد.

خاورمیانه؛ بستر تنش‌های چندبعدی و لزوم اعمال دیپلماسی علمی

خاورمیانه مهم‌ترین منطقه در جهان است که امروزه بازیگران موجود در آن با تهدیدات امنیتی بسیاری در ابعاد نظامی، اقتصادی، بهداشتی و زیست‌محیطی (بحران آب، امنیت غذا و...) مواجه هستند. با توجه به میزان رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورهای منطقه از نظر تقسیم‌بندی نظام جهانی معمولاً در وضعیت نیمه‌پیرامون به‌عنوان کشورهای در حال توسعه و یا پیرامون به‌عنوان کشورهای توسعه نیافته قرار دارند و برخی از کشورها نیز به‌عنوان کشورهای شبه‌دولت و یا دولت‌های شکننده شناخته می‌شوند. کشورهای منطقه معمولاً اصول رئالیستی را میان تعاملات خود حاکم نموده و با تعریف قدرت سخت به‌عنوان محور اساسی روابط بین‌الملل در چرخه رقابت‌های تسلیحاتی گرفتار شده و هر یک در راستای بیشینه‌سازی قدرت به ایجاد توازن به‌ویژه به صورت دریافت کمک از قدرت‌های فراملی روی آورده‌اند.

لازم به ذکر است، میان بسیاری از کشورهای این منطقه اختلافات مرزی، مکانی، سرزمینی و ... وجود دارد همچون سوریه که مدعی استان هاتای در ترکیه است و یا ترکیه که به موصل و کرکوک چشم دوخته است. همچنین بسیاری از کشورهای منطقه از نظر داخلی درگیر تنش و آشوب‌های سیاسی، درگیری داخلی، فعالیت تروریست‌های ملی و فراملی، بحران‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی و همچنین نابرابری اقتصادی و شکاف‌های اجتماعی هستند که نمونه بارز این درهم‌ریختگی داخلی کشورهای عراق و سوریه هستند. این عوامل در کنار اختلافات قومی، مذهبی و تنش‌های مادی و همچنین نوعی عدم تقارن در قدرت میان بازیگران موجود، ایجاد سازوکارهای حل‌وفصل اختلافات را به صورتی که مورد پذیرش همه و یا بیشتر کشورهای

منطقه باشد، با موانع بسیاری روبه‌رو ساخته و لذا برقراری صلح نسبی که منتج از وجود شرایط لازم برای تعامل و بده-بستان متوازن باشد را با تردید مواجه نموده است. بااین‌حال در صورت ایجاد و تقویت تمایل برای برقراری صلح هرچند به‌صورت نسبی می‌توان تهدیدهای فوق را به فرصتی برای ایجاد تعامل هدفمند مبدل نمود، به آن معنا که وجود اختلافات مشترک و تهدیداتی با اثرات فراملی همچون بحران‌های زیست‌محیطی، بحران آب، نزدیکی جغرافیایی و حساسیت و آسیب‌پذیری نسبت به تحولات در کشورهای همجوار و یا وابسته، می‌تواند عرصه‌ای برای تعامل و در نهایت تبادل داده، ایجاد آگاهی و تغییر در نگرش‌های منفی گردد.

این امر در قالب دیپلماسی علمی به‌عنوان عرصه‌ای از تعامل میان علم و دیپلماسی امکان‌پذیر است زیرا می‌تواند تعاملاتی فراتر از محدودیت‌های مرزی، سیاسی، هویتی و ایدئولوژیک را موجب شود. بااین‌حال دیپلماسی علمی از سوی همه کشورهای منطقه به‌صورت جدی اعمال نمی‌شود، برخی در چارچوب قدرت‌های بزرگی چون ایالات‌متحده که دیپلماسی علمی را به‌عنوان خط مقدم سیاست خارجی خود تعریف نموده‌اند در قالب‌های تبادل منابع علمی، آموزشی، فنی و نوآوری تعاملاتی در قالب دیپلماسی علمی با کشورهای منطقه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم ایجاد نموده‌اند، ولیکن سازوکار مشخصی در این حوزه تعاملاتی میان بازیگران منطقه وجود ندارد، این درحالی است که اکثر کشورهای منطقه از فقدان زیرساخت‌های علمی، ضعف در همکاری و به اشتراک‌گذاری منابع علمی و فناوری، تردید نسبت به انتقال نوآوری، نبود مکانیزم جذب و به‌کارگیری تبادل نخبگان علمی در عرصه داخلی و تبادل آن‌ها در عرصه خارجی، نبود سازوکارهای گردش مغزها، خشونت ساختاری، عدم انعطاف‌پذیری جامعه علمی، آکادمیک، سیاسی و اجتماعی و درنهایت عدم نگرش جامع به دیپلماسی علمی رنج می‌برند و تعداد محدودی از کشورها به دیپلماسی علمی به‌عنوان یک بعد اساسی ایجاد و اجرای سیاست خارجی برای رسیدن به اهداف و منافع ملی می‌نگرند. باتوجه به درک ظرفیت دیپلماسی علمی و چگونگی اثرگذاری کاربست آن در ایجاد صلح، هرچند به‌صورت نسبی، در ادامه به مؤلفه‌های اساسی اشاره می‌شود.

ظرفیت‌های کاربست دیپلماسی علمی برای صلح‌سازی

دیپلماسی علمی در قالب هم‌کنشی ترکیبی از عرصه حساسیت‌زای سیاست و حساسیت‌زدای

علم، می‌تواند با تکوین تعاملاتی فارغ از ابعاد هویتی و ایدئولوژی، زمینه ایجاد صلح و تقویت آن را در فضایی از التهابات سیاسی و امنیتی هرچند به صورت نسبی ولیکن با چشم‌انداز بلندمدت موجب شود. تورکیان^۱ مشاور علمی سابق وزیر امور خارجه آمریکا، در خصوص اهمیت علم و دیپلماسی علمی اشاره دارد: «جهان در حال تبدیل شدن به چندقطبی است و ائتلاف‌ها حول محور منافع و موضوعات خاص شکل می‌گیرند. تقریباً هر مسئله مهم در مقیاس جهانی و ملی حول محور علم دانشمندان ایجاد می‌شود و آن‌ها تمایل دارند با همتایان خود در عرصه جهانی هم‌کنشی و تبادل ایده داشته باشند، در این چارچوب سیاستمداران تمایل دارند از این ظرفیت برای نفوذ و اثرگذاری بر توسعه و تصمیم‌گیری در کشورهای دیگر بهره ببرند. در نهایت دیپلماسی علمی چراغ راهنمایی^۲ است در روابط بین‌الملل، که حتی زمانی که سایر چراغ‌ها خاموش باشند، می‌توانند راهنما و راهگشایی برای ایجاد و تعمیق روابط باشد» (Turekian, 2010: 11).

در ادامه برخی از ظرفیت‌های دیپلماسی علمی در ایجاد صلح به صورت کلی اشاره تشریح می‌شود که می‌تواند در مناطق گوناگون متناسب با میزان توسعه‌یافتگی کشورهای از نظر سیاسی و اقتصادی اعمال شود:

۱- حساسیت‌زدایی از روابط سیاسی-امنیتی در قالب دیپلماتیک

همکاری در حوزه علمی، در شاخه‌های مختلف نظری و عملی، این امکان را به کنشگران در سیستم جهانی می‌دهد که فراتر از مرزهای ملی و هویتی خود ایفای نقش نمایند و تعاملات را در این فضا تحت تأثیر قرار دهند. میزان رشد علمی یک کنشگر، انگیزه آن از ایجاد تعاملات علمی، نقش ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های در ایجاد و مدیریت رفتارهای بین‌المللی و همچنین امکان فعالیت باتوجه به سرمایه‌های مادی و روحیه علم‌طلبی در میزان فعالیت کنشگران آن کشور در این فضای درهم تنیده تعاملاتی نقش دارد. کشورهایی که مدام از تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه از سوی قدرت‌های برتر علمی رنج می‌برند، از منظر ایدئولوژیکی در درون گفتمان جایگاه مناسبی ندارند و در عرصه داخلی نمی‌توانند از فعالان علمی و دانشمندان خود حمایت نمایند، نقش کمتری در

1 - Vaughan Turekian

2 - Pilot Light

این عرصه خواهند داشت. متقابلاً، بازیگران متفاوت ملی و فراملی با حمایت بخش‌های دولتی و غیردولتی و همچنین با اتکاء بر قدرت و ایدئولوژی ملی کشور خود به‌ویژه در عرصه زبان و ابزار علمی، می‌توانند هم‌کنشی‌های فراملی را مدیریت نمایند و قدرت ساختاری خود را ایجاد و ارتقاء دهد. درواقع به میزانی که کشوری بتواند داده علمی و تکنولوژیکی به دنیای ارائه دهد و در این فضا از نخبگان علمی خود حمایت نماید، به همان میزان نیرو برای افزایش قدرت نرم در قالب جذابیت، مشروعیت و ایفای نقش جهانی دارد. نکته قابل توجه دیگر آن است که، در وضعیت مذکور، اجرای نقش توسط بازیگران غیردولتی و کنشگران فراملی، این امکان را به واحدهای سیاسی می‌دهد که فراتر از ابعاد تنش سیاسی-امنیتی، روابط خود را در بخش‌های غیررسمی ایجاد و ضمن حساسیت‌زدایی از تعاملات، امکان برقراری روابط رسمی را فراهم نمایند.

ظرفیت فوق، از آنجا ناشی می‌شود که دولتمردان با اینکه تصور دارند مانند دانشمندان فکر می‌کنند، ولیکن شبیه وکلا می‌اندیشند و به دنبال آن هستند که چه چیزی و کجا ممکن است برای آن‌ها امتیاز بیاورد، اما دانشمندان با توجه به داده‌هایی که به‌دست می‌آورند نتیجه‌گیری می‌کنند و به حقایق دست می‌یابند، در صورتی که سایر اقشار و حتی مردم عادی ممکن است حقایق را برای برخی از منافع نادیده بگیرند و یا آن را تغییر دهند (Siegel, 2016). همچنین پاسخی که دانشمندان برای یک چالش و یا سؤال مطرح می‌کنند، معمولاً به‌صورت جهانی پاسخگو خواهد بود و یا آنکه می‌تواند زمینه‌ای برای سایر تحقیقات در موقعیت جغرافیایی دیگر باشد، لذا کنش علمی فراتر از محدودیت‌های سیاسی دارد و این امر کنش فراملی و با قابلیت سرریز را ممکن می‌سازد.

در حقیقت، دیپلماسی علمی حوزه تعاملاتی است که کنشگران مختلف، امکان تعامل چندبعدی با طیف گسترده‌ای از رقبای، دوستان و متحدان را به‌نحوی فراهم می‌کند که بدون تغییر ملموس، در مرحله اولیه از نوع تعریف هویت در قالب خودی و دیگری نیز قابل اجراست. البته گستره اعمالی ممکن است بتواند به‌تدریج به عادی‌سازی روابط و تقویت تعاملات بپردازد، ازاین‌رو است که دیپلماسی علمی در صورت اجرای موفقیت‌آمیز، ابزاری برای تقویت و بهبود روابط دوستان و به تعبیری دشمنان تلقی می‌شود. بارزترین نمونه این امر، تلاش‌های اوباما برای تقویت چهره آمریکا نزد کشورهای مسلمان، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر بود (براتی، ۱۳۹۰: ۵۶). در سخنرانی ۴ ژوئن ۹۶

۲۰۰۹ در قاهره، وی اظهار داشت: «دولت اقداماتی را در ارتباط با همکاری بین‌المللی در حوزه علم و فناوری انجام خواهد داد. در زمینه علم و فناوری، یک صندوق جدید برای حمایت از پیشرفت تکنولوژی در کشورهای دارای اکثریت مسلمان برای انتقال ایده‌ها به بازار راه‌اندازی خواهد شد، به این ترتیب مشاغل بیشتری ایجاد می‌شود، مراکز برتر علمی در آفریقا، خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی باز خواهد شد و موارد علمی جدید برای همکاری در برنامه‌های جدید انرژی، مشاغل سبز، دیجیتالی کردن پرونده‌ها، آب پاکیزه و تولید محصولات جدید شکل خواهند گرفت...». در واقع، هدف اصلی او با ما در راه‌اندازی این برنامه، توسعه روابط میان ایالات متحده و کشورهای مسلمان از طریق علم و فناوری با تمرکز بر توسعه اقتصادی، آموزش و همچنین نوآوری بود (Ozkaragoz, 2015, 100-101). بر اساس همین رویکرد، دولتمردان آمریکایی امیدوار بودند جوامع تحقیقاتی در اروپا، آمریکا و جهان اسلام بتوانند روابط شکننده را بازسازی کنند و الهام‌بخش نسل جدید از رهبران و مدیران در امر تحقیق، حکومت، آکادمی و صنعت باشند (براتی، ۱۳۹۰: ۵۶).

۲- فرصت‌سازی برای نقش‌آفرینی نخبگان علمی و دانشگاهی

باتوجه به اثرگذاری علم در همه جنبه‌های زندگی جمعی، امکان تعامل میان بازیگران متعدد فروملی، ملی و فراملی ناشی از انقلاب در ارتباطات، ظرفیت تعامل‌سازی گسترده علم، باتوجه به اثرگذاری بر نوع تعاملات، معرفی و ارائه فناوری نوین، گسترش دامنه فعالیت انسان در قالب‌هایی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فناوری و... و همچنین ایجاد اشتراک در معانی و کنش، برقراری دیپلماسی علمی می‌تواند فرصتی برای نقش‌آفرینی نخبگان علمی و دانشگاهی در عرصه جهانی فراهم نماید. ایجاد تعاملات چندبعدی با نقش‌آفرینی نخبگان علمی و دانشگاهی در سطوح مختلف افقی و عمودی، متأثر از قدرت نرم علم، می‌تواند با تعمیق تعاملات، تبادل ایده‌ها، ایجاد آگاهی، تسهیل بده-بستان‌ها و در نهایت تکوین تصاویر مطلوب از یکدیگر، زمینه‌ساز پدیده سرریز همکاری شود.

پدیده سرریز همکاری توسط ارنست هاس^۱ با طرح اندیشه نوکارکردگرایی^۲ مطرح شد. سرریز

1 - Ernst Haas

2 - Neofunctionalism

همکاری و یا مفهوم تسری، به این معنی است که هرگاه همکاری در یک عرصه (برای نمونه بخش فنی، علمی و...) تشدید شود لاجرم به دیگر عرصه‌ها (سیاسی) نیز سرایت می‌کند (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۱: ۱۵۰). تعامل فنی و سرریز از آن در حوزه‌های دیگر، بازیگران سیاسی را برای تغییر وفاداری‌های خود، ترغیب می‌کند (László, ۲۰۱۳: ۱۰). در این چارچوب، علم با اتکاء بر ظرفیت جهانی در ایجاد تعاملات، این امکان را به واحدهای سیاسی می‌دهد که تعاملات خود را با بازیگران غیر دولتی و از عرصه‌های غیرحساسیت‌زا، برای دستیابی به اهداف مشخص آغاز کنند و از آن برای ایجاد و پیشبرد تعاملات در بخش حساس بهره ببرند. به این صورت، کنشگری که تمایل دارد از توان علمی خود برای افزایش قدرت نرم بهره برد، می‌تواند با کشور هدف که ممکن است دیگری هویتی باشد، توسط شرکت‌های علمی و بهداشتی خود تعاملات بهداشتی، فنی و یا تکنولوژیکی برقرار نماید، سپس با افزایش تعامل مردم-مردم به‌ویژه در سطح نخبگان با عادی‌سازی روابط و هنجارهای رفتار ساز که معمولاً منبعث از تئوری‌های تبیین‌کننده، تحلیل‌کننده و پیش‌بینی رفتار است، به ایجاد و تعمیق تعاملات حتی در بخش حساس سیاسی مبادرت نماید.

شایان توجه است دیپلماسی علمی با «ایجاد تعامل میان نخبگان، دانشمندان و سایر کنشگران ملی و فروملی»، «امکان به اشتراک‌گذاری داده‌ها، فناوری‌ها و نوآوری‌ها» و «ایجاد فضای تبادل ایده و نگرش در عرصه‌های دو و یا چندجانبه» می‌تواند در تکوین و تقویت آگاهی جهانیان از خود و ارزش‌ها و هنجارهای هویت‌ساز، ایجاد مشروعیت و جذابیت لازم برای همکاری در برخی از پروژه‌ها نقش حیاتی ایفا نماید. دیپلماسی علمی همچنین با ایجاد فرصت برای نقش‌آفرینی بازیگران علمی امکان «تبادل ارتباطی هدفمند»، انتقال تفاسیر و تلقیات خود از امور و پدیده‌های جهانی و تبدیل باورهای ذهنی و جهان‌بینی شخصی خویش به «اطلاعات عمومی» را دنبال نمایند، زیرا یک باور و تفکر شخصی و ملی تنها زمانی که از طریق ارتباطات به اطلاعات عمومی تغییر شکل دهد، ممکن است به‌عنوان یک «حقیقت اجتماعی» و بخشی از «فرهنگ/واقعیت» مطرح گردد. در نتیجه، غلبه و چیرگی طرز فکر یک بازیگر بر دیگران بستگی به «استراتژی ارتباطی» وی دارد (Bially Mattern, ۲۰۰۷: ۱۰۶-۱۰۷)، که متأثر از علم و در قالب تعامل علمی ارائه می‌شود. در نتیجه دیپلماسی علمی با فرصت‌سازی برای حضور بازیگران علمی در عرصه سیاسی و

جهانی می‌تواند به تعمیق روابط در حوزه‌های غیرحساس و تسری آن به عرصه سیاسی و تبادلات حساس، آگاهی و اشتراک‌گذاری داده‌ها را افزایش داده و درنهایت اختلافات ناشی از درک نادرست را تضعیف و در نهایت می‌توان به ایجاد صلح امیدوار بود.

۳- مخاطب‌سازی گروه‌های مرجع اجتماعی بر محور نیازهای تخصصی

علم و تعاملات علمی با ایجاد شفافیت در تعاملات و فضایی از تبادل داده‌های مختلف، ایجاد سازوکارهای همکاری، نظارتی، تضمینی و ... این فرصت را فراهم می‌آورد تا گروه‌های مرجع اجتماعی فارغ از سازوکارهای دولتی، بر محور نیازهای تخصصی و درواقع مقابله با چالش‌های امنیتی تعاملات گسترده‌ای در عرصه فراملی داشته باشند. در این فضای جدید تعاملاتی، کنشگران می‌توانند در قالبی غیررسمی، در فضای «همدردی، همکاری، مشارکت داوطلبانه و...» با یکدیگر هم‌کنشی داشته باشند. درواقع، فعالان حوزه علمی به‌عنوان نمایندگان «بی‌طرف»، بر محور نیازهای تخصصی گردهم می‌آیند تا به حل‌وفصل بحران‌هایی بپردازند که کنشگران رسمی نتوانسته‌اند به‌صورت یک‌جانبه در حل‌وفصل آنها موفقیت چندانی کسب نمایند. بنابراین علم به‌عنوان دارایی ملی، می‌تواند با وارد شدن در تمام عرصه‌های زندگی بشر و با اتکاء به ظرفیت قدرت‌زایی و ثروت‌زایی، ظاهر انسان دوستانه و غیر ایدئولوژیک، ویژگی طولانی بودن همکاری علمی، پویایی کنشگران را در راستای دستیابی به اهداف افزایش دهد و به بازیگران این امکان را بدهد که قدرت خود را افزایش و موقعیت جهانی خود را در سیستم تغییر دهند. این امر در درگاه سوم، علم در دیپلماسی قابل تبیین است که علم، پشتوانه تحقق اهداف سیاست خارجی تلقی می‌شود. در این راستا و در قالب پیوند عمیق بین کارگزاران دیپلماسی و علم و طرح نیازهای تخصصی در قالب مسائل و چالش‌های فراملی با آثار گسترده، توجه به دیپلماسی علمی، برای شناخت علمی ریشه‌ها، عوامل و پیامدهای مسائل و بحران‌ها، ارائه اطلاعات و به اشتراک گذاشتن داده‌ها میان کنشگران درگیر، بررسی راه‌حل‌های گذشته و همچنین ارائه دستورکارهای جدید برای مقابله با بحران‌ها ضروری است.

تشکیل هیئت بین‌الدولی تغییر اقلیم^۱ یکی از نمونه‌های مناسب برای درک این مورد است. این

امر مکانیزم‌هایی برای کمک به جریان یافتن اطلاعات مربوط به تغییر اقلیم و پیامدهای بالقوه آن، از مؤسسات تحقیقاتی به سوی جامعه سیاست‌گذاری است. درواقع، تغییرات آب‌وهوایی یک مورد حساس و موضوع پیچیده علمی محسوب می‌شود که نیازمند پیوند دو حوزه علم و دیپلماسی است. برای شرکت در مذاکرات و تصمیم‌گیری در عرصه بین‌المللی، دیپلمات‌ها باید در هم‌کنشی‌هایی که در جنبه‌های علمی تغییر آب‌وهوا به‌عنوان یک محصول عمومی با نیاز به همکاری تخصصی شکل می‌گیرد، مشارکت داشته باشند. لذا شورای بین‌المللی تغییرات آب‌وهوایی با وظیفه اصلی ارائه اطلاعات علمی مورد نیاز دیپلماسی آب‌وهوایی، از اهمیت بالایی برخوردار است (تورکیان و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۸). نمونه دیگر، توافق کشورهای بسیاری بر سر پروتکل مونترال، به‌عنوان یکی از موفق‌ترین توافقات دیپلماسی علمی، بود؛ یعنی یک معاهده بین‌المللی که برای محافظت از لایه اوزون از طریق خاتمه دادن به تولید مواد بی‌شماری که موجب کاهش اوزون هستند طراحی شد. رویارویی بشر امروز با ویروس کرونا، تلاش میان دانشمندان و دیپلمات‌ها برای به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از آن و درنهایت اتخاذ هر تصمیم بین‌المللی از سوی سیاستمداران با مشورت و همراهی دانشمندان و پزشکان متخصص، مورد دیگری است که در این بستر قابل تبیین است (Marga and Oni, 2020).

درنهایت، دیپلماسی علمی می‌تواند با حساسیت‌زدایی از روابط سیاسی-امنیتی در قالب افزایش نفوذ، حضور، ظهور و نمایش قدرت در قالب‌های متعدد تعاملاتی دیپلماسی علمی در صحنه بین‌المللی؛ ارائه تصویر مطلوب از کشور در اذهان عمومی، افکار نخبگان علمی و سیاستمداران، کسب وجه و حیثیت بین‌المللی و ارتقای جایگاه و پرستیژ کشور در نظام بین‌الملل، فرصت‌سازی برای نقش‌آفرینی نخبگان علمی و دانشگاهی در قالب ایجاد و تقویت ارتباط بین دولت و جوامع علمی خارجی و مخاطب‌سازی مرجع اجتماعی بر محور نیازهای تخصصی شامل تعامل و تلاش برای حل‌وفصل چالش‌های بین‌المللی، صلح را برای کشورهای اعمال‌کننده به ارمغان بیاورد.

کاربست دیپلماسی علمی در منطقه، چالش‌ها و لزوم اعمال بایسته‌های راهبردی

بهره‌مندی از دیپلماسی علمی برای دستیابی به صلح نیازمند ایجاد ارتباطات پایدار، هدفمند، مدیریت شده و منظم، مکانیزم‌ها و هنجارهای منطقه‌ای و یا جهانی برای بهره‌بردن از تنوع منابع

علمی و همچنین ایجاد نوعی فرهنگ تعاملاتی است که دربردارنده وجوه مشترک بازیگران برای ایجاد تعامل مثبت باشد. باتوجه به روحیه قدرت طلبی، واگرایی، خودیاری کشورهای منطقه خاورمیانه، عدم حضور بازیگران غیردولتی فعال در عرصه دیپلماتیک به ویژه نخبگان، نبود شرایط برای تبادل منابع و داده های علمی و همچنین ضعف فرهنگ تعامل، کارگروهی و برنامه ریزی طولانی مدت برای چشم انداز آینده دور، شکل گیری این ملزومات، حداقل در آینده نزدیک دشوار به نظر می رسد. در صورت درک اهمیت علم در افزایش قدرت، اثرگذاری آن بر تعامل میان کنشگران و حداقل ایجاد برخی بلوک هایی از دیپلماسی علمی به صورتی که یک کنشگر تحمیل کننده منافع خود بر اساس توان علمی نباشد، حل مشکلات مشترک مورد توجه باشد و امنیت بازیگران در گرو امنیت یکدیگر تصور شود، امکان ایجاد صلح نسبی در منطقه وجود دارد.

باتوجه به تلاش برخی کشورها برای رهایی از تنش، رسیدن به سطحی از قدرت علمی، قرار گرفتن در هدف کشورهای قدرتمند در بخش دیپلماسی علمی، افزایش سرمایه گذاری در حوزه علمی و لزوم بهره برداری از این امر برای اثرگذاری در عرصه منطقه ای، ایجاد تعامل، شفاف نمودن نیت و تقویت تصویرسازی مثبت از کشور خودی مبتنی بر ایجاد آگاهی، باعث شکل گیری چندین نمونه از فعالیت های مختلف در قالب دیپلماسی علمی در منطقه به صورت درون منطقه ای و فرامنطقه ای بوده است که به برخی به صورت مختصر اشاره می شود:

❖ در قالب نقش دیپلماسی علمی در حساسیت زدایی از روابط سیاسی-امنیتی می توان به توافق رژیم صهیونیستی و امارات در آگوست ۲۰۲۰ با هدایت آمریکا اشاره نمود. قبل از ایجاد این توافق، همکاری میان دو بازیگر در حوزه هایی چون تبادلات علمی، دانش، فناوری، مبانی آموزشی به ویژه در قالب نظامی وجود داشته و توافق موجود این روند را تشدید نموده است. برای نمونه، به دنبال توافق امارات و رژیم صهیونیستی بر سر عادی سازی روابط دوجانبه، شرکت سرمایه گذاری اپکس^۱ در امارات با شرکت صهیونیستی ترا^۲ توافق نامه تجاری و همکاری راهبردی در زمینه توسعه تحقیقات و پژوهش های مربوط به ویروس کرونا امضا کردند. در بیانیه مشترک این توافق نامه آمده است که امارات متحده عربی و اسرائیل بلافاصله همکاری های خود را در

1 - APEX

2 - Tera Group

زمینه معالجه و توسعه تحقیق واکسن و ویروس کرونا گسترش و تسریع بخشند، زیرا پیش از این نیز پزشکان اسرائیلی در برخی از مراکز درمانی ابوظبی حضور و طرح‌های پزشکی میان آنها در راستای مقابله با ویروس کرونا در جریان بود (https://www.aljazeera.com/news/2020/08/16).

❖ نمونه‌ای از نقش دیپلماسی علمی در فرصت‌سازی به نقش‌آفرینی نخبگان علمی فراتر از مباحث هویتی، تأسیس و فعالیت آزمایشگاه «نور-سینکروترون برای دانش آزمایشی و عملکرد»^۱ است که می‌تواند زمینه‌ای برای تبادل ایده‌ها، نگرش‌ها، داده‌ها و درنهایت کسب آگاهی از یکدیگر برای اهداف مشخص و دسترسی به مناطق غیرقابل دسترسی بازیگر هدف باشد. سیرز، یکی از مؤسسان این آزمایشگاه که در دهه ۱۹۶۰ در سازمان اروپایی تحقیقات هسته‌ای^۲ مشغول به کار بود، در خصوص دلایل وجودی آن بیان داشته است: «ایده ایجاد چنین مرکزی برای تعامل میان کشورها بر اساس زبان علمی، زمانی ایجاد شد که قرار بود سینکروترون قدیمی در برلین به کار خود خاتمه دهد. در این زمان این ایده ایجاد شد که این مرکز به خاورمیانه منتقل شود، زیرا در این قالب فرصتی خواهد بود تا دانشمندان پاکستانی، ایرانی، اسرائیلی یا قبرسی زیر یک سقف قرار بگیرند و فرصتی برای تعامل با یکدیگر خواهند داشت. سینکروترون‌ها فضای خاصی دارند، دانشمندان در زمان‌های مختلف می‌توانند کنار یکدیگر بنشینند و صحبت کنند، ممکن است ابتدا صحبت‌ها از حوزه علمی آغاز شود، ولیکن به تدریج کنجکاوی افزایش یافته و تعاملات و آگاهی‌ها نیز عمیق‌تر خواهد شد. این تعاملات یک قدم در جهت درک یکدیگر است که می‌تواند زمینه‌ساز اعتماد باشد» (Yinanç, 2019).

هولت، مدیرعامل انجمن آمریکایی برای پیشرفت علم،^۳ معتقد است فعالیت دانشمندان از واحدهای مختلف و بازیگران متفاوت درون این آزمایشگاه، موجب ایجاد فضایی برای تعامل و افزایش همگرایی خواهد شد. به‌زعم وی، این آزمایشگاه شامل هشت عضو، به‌ویژه اسرائیل و ایران و همچنین فلسطین، مصر، اردن، قبرس، پاکستان و ترکیه است و البته بحث‌برانگیزترین مسئله در واشنگتن، حضور ایران در این پروژه است. هولت اظهار داشت اسرائیل و غرب می‌توانند از این برنامه برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد سطح توسعه علم و نوآوری در ایران بهره ببرند. وی

1 - Synchrotron-light for Experimental Science and Applications

2 - The European Organization for Nuclear Research

3 - The American Association for the Advancement of Science

تأکید نمود: «در صورت عدم فعالیت ایران در این پروژه، خطرات امنیتی ایران خیلی بیشتر از زمانی خواهد بود که در آن فعالیت دارد» (Cohen, 2019). به نظر اسمیت، استاد دانشگاه آکسفورد، این آزمایشگاه یک نقطه عطف در دیپلماسی بین‌المللی است که «خارج از سازمان ملل، به صورتی استثنائی‌ترین مرکز می‌تواند شهروندان اسرائیلی و ایرانی را در یک اتاق کنار یکدیگر قرار دهد» و لذا این پروژه نشان می‌دهد که علم یک روش عالی برای برقراری روابط دیپلماتیک و غلبه بر موانع سیاسی است (<https://revistapesquisa.fapesp.br/2016/09/18>).

❖ در قالب نقش دیپلماسی علمی برای مخاطب‌سازی مرجع‌های اجتماعی بر محور نیازهای تخصصی، می‌توان به پروژه «همکاری‌های علمی و آکادمیک ترکیه» اشاره کرد. این پروژه برنامه‌ای برای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی‌ارشد از سراسر جهان است که به علوم طبیعی و کاربردی علاقه‌مند هستند و تمایل دارند بینش‌های عملی در زمینه کاری با شرکت‌های معتبر ترکی کسب کنند. ایده اصلی این پروژه ترویج جهانی‌سازی علم و دانش برای اتصال دانشجویان بین‌المللی به شرکت‌های معتبر ترکی است. ترکیه درصدد است در جهت تکمیل دیپلماسی فرهنگی و عمومی با استفاده از این برنامه، در قالب تعاملات علمی، اعتبار و نفوذ جهانی خود را با اثرگذاری بر جوانان، دانشگاهیان و حوزه تجاری افزایش دهد (Bulut, 2019). عطش، استاد بنیاد یونس امره،^۲ در خصوص پروژه مذکور اشاره می‌کند: «ما بر دیپلماسی علمی تمرکز می‌کنیم زیرا علم، موضوعی است که همه شهروندان جهان را متحد می‌کند. ترکیه با اتکاء بر آکادمی مذکور درصدد است با همه شهروندان جهانی مشارکت نماید و شهروندان ترکی و همه شهروندان جهانی را در راستای اشتراک و تبادل داده‌ها یاری کند... لذا یکی از اهداف ترکیه در این آکادمی، تقویت تولید دانش‌بنیان در ترکیه و جذب سرمایه‌گذارانی از سراسر جهان در این حوزه است که امکان دسترسی دانشمندان ترکی را به منابع جهانی میسر و مراکز فرهنگی و مشاوران علوم را تقویت می‌نماید. لازم به ذکر است این آکادمی، مشاغل و پروژه‌های علمی و دانش‌بنیان را برای همکاری تمامی نخبگان، سرمایه‌گذاران، تجار و سایر فعالان علمی و فناوری به اشتراک می‌گذارد و زمینه علمی، فناوری یا اقتصادی در پروژه‌ها مختلف در سطح جهانی فراهم می‌کند» (Solmaz, 2019).

1 - Türkiye Akademik ve Bilimsel İş Birliği Projesi (TABIP)

2 - Yunus Emre Foundation

در این قالب، در حوزه‌های نیازهای تخصصی از جمله چالش‌های بهداشتی، زیست‌محیطی، انرژی، آب و مواد غذایی می‌توان به موارد دیگری اشاره نمود، همچون «شبکه بهداشت عمومی مدیترانه شرقی»^۱، سازمان «علوم اسرائیل و فلسطین»^۲، مرکز «تحقیقات آب شیرین کن خاورمیانه»^۳ (Harpviken, 2019). با این حال، کشورهای منطقه همچنان درگیر مسائل و مشکلات هویتی، سرزمینی، مکانی، قومیتی و... هستند و در این قالب توجه به چند نکته برای رسیدن به سازوکارهای اعمال هدفمند دیپلماسی علمی برای رسیدن به صلح حداقل نسبی در سطح ملی و فراملی مطرح می‌شود:

۱- راهبردهای ملی برای اعمال دیپلماسی علمی با هدف ایجاد صلح نسبی

- ❖ ایجاد و ارائه راهبردی روشنفکرانه در خصوص دیپلماسی علمی و ارائه آن برای عموم فعالان این عرصه اعم از دولتی و غیردولتی؛
- ❖ تعیین کنشگران دولتی مشخص در این راستا و شناسایی ظرفیت و محدودیت عملکرد آنها؛
- ❖ مشخص نمودن ظرفیت عملکرد بازیگران غیردولتی و حوزه همکاری و همیاری آنها با بازیگران دولتی، به دلیل اطمینان از هم‌زبانی و همراهی کنشگران غیردولتی با اهداف و منافع ملی در چارچوب سیاست خارجی؛
- ❖ تعیین برنامه علمی در راستای دستورالعمل‌های بلندمدت بیشتر از برنامه‌های کوتاه‌مدت؛
- ❖ درک و توجه به محدودیت‌های تعاملات علمی در بهبود روابط بین‌الملل؛
- ❖ تخصیص مداوم بودجه برای اعمال دیپلماسی علمی متناسب با تعداد بازیگرانی که به‌صورت هدفمند در این عرصه در حال فعالیت هستند؛
- ❖ ایجاد هماهنگی‌های داخلی بین کنشگران دولتی و غیردولتی از جمله وزارت امور خارجه با سازمان‌ها و مؤسسات علمی، دانشگاه‌ها، سازمان‌های چندجانبه، شبکه‌های غیررسمی و...؛

1 - Eastern Mediterranean Public Health Network

2 - The Israeli-Palestinian Science Organization

3 - The Middle East Desalination Research Center

- ❖ نیاز به ادغام بخشی از حوزه سیاست‌گذاری با حوزه علمی، از ابتدای فرآیند آموزشی به‌عنوان یک اصل اساسی برای تربیت دیپلمات‌های علمی و...؛
- ❖ ارتقاء توانایی علمی در سیستم وزارت امور خارجه به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر در ایجاد و اعمال دیپلماسی علمی با ادغام حوزه‌های آموزشی، جذب دانشمندان فعال به ایفای نقش موقت و یا به اشکال دیگر.

۲- راهبردهای فراملی برای اعمال دیپلماسی علمی با هدف ایجاد صلح نسبی

- ❖ توجه و همکاری کشورهای منطقه با سازمان‌های بین‌المللی، به دلیل ضعف توانایی علمی و تکنولوژیک در برخی از حوزه‌ها از جمله فناوری‌های نوین و لزوم بهره‌مندی از توانایی فنی، آموزشی؛
- ❖ تقویت انگیزه همکاری و هم‌کنشی در عرصه دیپلماسی علمی در میان بازیگران این عرصه به‌صورت فراملی در قالب تسهیل تعاملات و برگزاری نشست‌های علمی و بین‌المللی؛
- ❖ تمرکز در منافع و اهداف مشترک میان کنشگران در عرصه فرامرزی برای ایجاد انگیزه تعامل و تبادل داده‌ها، موجب تقسیم هزینه، وابستگی امنیتی و در نهایت هم‌افزایی برای رسیدن به اهداف مشخص؛
- ❖ توانمندسازی نسل بعدی رهبران در قالب ایجاد سازوکارهای منطقه‌ای برای آموزش رهبران در قالب سنتز جدیدی یعنی بازیگر دیپلمات-دانشمند با ترکیبی از دو وضعیت تز (سیاستمداران)، آنتی تز (دانشمندان)؛
- ❖ ایجاد مرکزی برای گردش مغزها در درون منطقه، جهت حل فرار مغزها و از دست دادن ایده‌های نوین، خلاقانه، ایجاد زمینه برای فعالیت نخبگان علمی در کشورهای خود در راستای توسعه پایدار و تقسیم کار منطقه‌ای بر اساس مزیت نسبی در عرصه علمی؛
- ❖ لزوم امنیتی‌سازی و یا امنیتی‌زدایی از مسائلی برای ایجاد پیوند و همگرایی بر سر حل مشکلات فراملی متناسب با فضای حاکم بر ذهنیت نخبگان سیاسی، علمی و...؛
- ❖ ایجاد «فرهنگ همکاری علمی» با اتکاء بر ایجاد زیرساخت‌ها و بهبود قابلیت‌های ارتباطات علمی، همکاری‌های رسانه‌ای، تبادل دانشمندان و کارشناسان علمی و سیاسی در منطقه.

نتیجه گیری

خاورمیانه یکی از مناطق مهم در جهان است که امروزه بازیگران موجود در آن با تهدیدات امنیتی بسیاری در ابعاد نظامی، اقتصادی، بهداشتی و زیست محیطی و اختلافات مرزی، مکانی، سرزمینی و ... مواجه هستند. در این وضعیت دیپلماسی علمی به عنوان فرآیندی از ترکیب عرصه سیاسی و علمی، در راستای دستیابی به اهداف و منافع ملی در قالب سیاست خارجی، یکی از مهم ترین عرصه های همکاری و تعامل است که می تواند در آستانه های اجرایی سه گانه همچون علم برای دیپلماسی، دیپلماسی برای علم و علم در دیپلماسی با توجه به ظرفیت آن در نخست، حساسیت زدایی از روابط سیاسی- امنیتی در قالب دیپلماتیک و ایجاد تعاملاتی فراتر از ابعاد تنش سیاسی- امنیتی در بخش های غیررسمی، دوم، فرصت سازی برای نقش آفرینی نخبگان علمی و دانشگاهی، در عرصه های مختلف غیرحساس با بهره مندی از انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات و در نهایت سرریز همکاری به بخش های حساس و تقویت امکان تغییر وفاداری ها و همچنین سوم، مخاطب سازی گروه های مرجع اجتماعی بر محور نیازهای تخصصی به ویژه حل و فصل بحران ها و تهدیدات فرامرزی همچون بحران های زیست محیطی، بحران آب، تهدیدات بهداشتی و... در قالب های غیر رسمی، در فضای «همدردی، همکاری، مشارکت داوطلبانه و...» صلح را برای بازیگران منطقه ای به ارمغان بیاورد.

امروزه نمونه های اندکی از شکل گیری دیپلماسی علمی در منطقه وجود دارد؛ از جمله همکاری امارات و اسرائیل در سال ۲۰۲۰ برای مقابله با ویروس کرونا، فعالیت متخصصان و دانشمندان کشورهای مختلف زیر نظر آزمایشگاه نور- سینکروترون برای دانش آزمایشی و عملکرد و... . با این حال، به دلیل نبود ظرفیت لازم برای همکاری، تعامل و بدبینی حاکم در روابط میان بازیگران این سطح از همکاری برای رسیدن به وضعیت صلح مسیر طولانی را باید طی نماید که این امر الزامات متعددی را در عرصه ملی همچون ایجاد و ارائه راهبردی روشنفکرانه در خصوص دیپلماسی علمی، تعیین ماهیت، محدوده عمل و الزامات همکاری بازیگران مختلف دولتی و غیردولتی، تعیین برنامه علمی بلندمدت متناسب با محدودیت های فراملی و توان ملی، ضرورت ادغام بخشی از حوزه سیاست گذاری با حوزه علمی، ارتقاء توانایی علمی در سیستم وزارت امور خارجه و همچنین الزاماتی را در عرصه فراملی همچون تقویت همکاری کشورهای منطقه با

یکدیگر و سازمان‌های بین‌المللی در راستای کنشی‌های علمی، تمرکز در منافع و اهداف مشترک ما بین کنشگران در عرصه فرامرزی، توانمندسازی نسل بعدی رهبران در قالب سنتز جدیدی بازیگر دیپلمات-دانشمند، ایجاد مرکزی برای گردش مغزها در درون منطقه و طرح و گسترش فرهنگ همکاری علمی ضروری هستند.

فهرست منابع:

- ۱- براتی، مسعود (۱۳۹۰)، «بررسی مفهوم دیپلماسی علم و فناوری و ترسیم وضع موجود آن در جمهوری اسلامی ایران»، ریاست جمهوری معاونت علمی و فناوری.
- ۲- تورکیان، واگان؛ سارا مکیندو، داریل کاپلند، لوید دیویس، رابرت پتمن و ماری پوزا (۱۳۹۷)، «پیدایش دیپلماسی علم»، در کتاب دیپلماسی علم: روزی نو یا صبحی کاذب، به کوشش لوید دیویس و روبرت پتمن، ترجمه جواد مشایخ، عفت نوروزی و سعیده صارمی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۳- جکسون، رابرت و گئورک سورنسون (۱۳۹۱)، «درآمدی بر روابط بین‌الملل»، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده، حسین سعید کلامی؛ تهران: نشر میزان.
1. Bially Mattern, Janice (2007), "Why 'soft power' isn't so soft Representational force and attraction in world politics", *Power in World Politics*, Edited by Felix Berenskoetter and M. J. Williams, London: Taylor la Francis Group.
2. Bulut, Halid (2019), "TURKEY'S New Diplomacy Field: Science Diplomacy", At: <https://www.uscpubliediplomacy.org/blog/turkey%E2%80%99s-new-diplomacy-field-science-diplomacy>.
3. Cohen, Adam (2019), "Architects of Middle Eastern research center receive 2019 AAAS Award for Science Diplomacy", At: https://www.eurekalert.org/pub_releases/2019-01/aaft-aom012919.php.
4. Davis, Lloyd S. and Patman, Robert G. (2015), "Science Diplomacy, New Day or False Dawn?", At: http://www.worldscientific.com/doi/pdf/10.1142/9789814440073_fmatter.
5. Gual Soler, Marga and Oni, Tolullah (2020), "Here's how 'science diplomacy' can help us contain COVID-19", At: <https://www.weforum.org/agenda/2020/05/here-s-how-science-diplomacy-can-help-us-contain-covid-19>.
6. Harpviken, Kristian Berg (2019), "Science Diplomacy in the Middle East", At: <https://blogs.prio.org/2019/11/science-diplomacy-in-the-middle-east>.
7. <https://revistapesquisa.fapesp.br/en/scientific-diplomacy-in-the-middle-east/2016/09/18>.
8. <https://www.aljazeera.com/news/2020/08/16>.
9. László, GYÖRGY (2013), "International Relations Theory Liberalism" At: [file:///C:/Users/ict/Downloads/6NPE_Liberalism_2013%20\(1\).pdf](file:///C:/Users/ict/Downloads/6NPE_Liberalism_2013%20(1).pdf).
10. Nye, Joseph S., Jr. (2009), "Public Diplomacy and Soft Power", *American Academy of Political and Social Science*, At: <http://ann.sagepub.com/cgi/content/abstract/616/1/94>.
11. Özkargoz Dogan, Elif (2015), "Science Diplomacy in the Global Age: Examples from Turkey and the World", *The Department of International Relations*.
12. Ruffini, Pierre-Bruno (2017), "The Intergovernmental Panel on Climate Change and the Science-Diplomacy Nexus", At: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1111/1758-5899.12588>.
13. Solmaz, Mehmet (2019), "Turkey launches promising science diplomacy project", At: <https://www.dailysabah.com/turkey/2019/03/02/turkey-launches-promising-science-diplomacy-project>.
14. Sutton, Susan Buck (2013), "Unintentional Diplomats: International Science Engagement and Science Diplomacy U.S. Higher Education Institutions", *Association of International Education Administrators*, At: http://www.aieaworld.org/assets/docs/Additional_Resource_PDFs/suttonsb%20and%20lyonsee-%20unintentional%20diplomats.pdf.
15. The Royal Society (2010), "New frontiers in science diplomacy", At: <https://royalsociety.org/~/>

media/Royal_Society_Content/policy/publications/2010/4294969468.pdf.

16. Yinanç, Barçın (2019), “Turkey committed to science diplomacy in Mideast’”, At: <https://www.hurriyetdailynews.com/turkey-commited-to-science-diplomacy-in-mideast-sayers-148269>